

محمد میر کیانی، نویسنده کتاب پر استقبال «تن تن و سندباد»:

دست بچه‌ها را بگیرد و تفریحی به کتابخانه‌های عمومی برود

میر کیانی صادقانه می‌گوید: ما نویسنده‌ها معمولاً در بیان علل مشکلات کتاب و کتابخوانی کمتر به خود می‌پردازیم در حالی که تک‌تک‌مان در فقدان این علاقه‌مندی مقصریم



نویسنده‌های کودک و نوجوان باید آثار خود را جذاب بنویسند نوآورانه‌کار و در هر کتابی فضای جدید ایجاد کنند. آنچه مخاطب به‌عنوان تولید محتوا در فضای مجازی و رسانه می‌بیند نباید در کتاب تکرار شود.

«من هم همین قصه را همیشه تعریف می‌کردم- حیف که خیلی‌ها آن را باور نداشتند. حالا خوب شد، شاهد از غیب رسید!» این بخشی از یادداشت کوتاهی است که رهبر معظم انقلاب بعد از خواندن کتاب «تن تن و سندباد» در وصف این اثر نوشته‌اند. تن تن و سندباد کتابی داستانی برای مخاطب نوجوان است. نویسنده کتاب محمد میر کیانی است. به مناسبت هفته کتاب و کتابخوانی سراغ او رفتم تا دلایل سرانه پایین مطالعه را از نظر او بدانیم. به رغم استقبال بی نظیر از کتابی که به قلم این نویسنده نگاشته شده است، اما میر کیانی در گفت‌وگو با «جوان» بخش قابل توجهی از نقدها را به اهالی قلم و ناشران وارد می‌داند و صادقانه می‌گوید: ما نویسنده‌ها معمولاً در بیان علل مشکلات کتاب و کتابخوانی کمتر به خود می‌پردازیم، در حالی که تک‌تک‌مان در فقدان این علاقه‌مندی نقش داریم و مقصریم.

وی با تأکید بر اینکه بخش قابل توجهی از پایین بودن سرانه مطالعه و علاقه‌مندی به کتاب به اهالی قلم برمی‌گردد، در توضیح بیشتری می‌گوید: نویسنده‌های کودک و نوجوان باید آثار خود را جذاب بنویسند، نوآورانه کار و در هر کتابی فضای جدید ایجاد کنند. آنچه مخاطب به عنوان تولید محتوا در فضای مجازی و رسانه می‌بیند، نباید در کتاب تکرار شود. وی با اشاره به اینکه خلاقانه و نوآورانه کار کردن از وظایف اولیه نویسنده‌گان کودک و نوجوان است، می‌افزاید:

داوود امیریان، نویسنده کتاب «جام جهانی در جوادیه»:

پز مبلمان خانه را می‌دهیم، کاش پز کتابخانه را هم می‌دادیم

داستان خوانی باید در آموزش و پرورش یک کلاس درس شود، این در حالی است که بسیاری از مسئولان ما خودشان اهل کتاب نیستند، پس اعتقادی به این موضوع ندارند

«جام جهانی در جوادیه» اثری است از داوود امیریان که نویسنده آن جوایز متعددی را برای این اثر کسب کرده است.

خلاقیت وی در شیوه نگارش این رمان و جذب نوجوانان به آن، باعث شد سراغ او برویم و شیوه‌های جذب کودکان و نوجوانان برای مطالعه بیشتر را جویا شویم.

وی ابتدا ضمن نقد موضوعاتی چون قیمت کاغذ و ممیزی و انتشار کتب از قیمت بالای کتاب گلایه کرد و گفت: کارمندی با حقوق زیر ۱۰ میلیون چگونه توان خرید کتاب خواهد داشت، در حالی که یک کتاب ۲۰۰ صفحه‌ای، ۲۰۰ هزار تومان است؟! حقوق یک روز کارمند باید صرف کتاب شود تا بلکه در سبد کالای خانواده قرار گیرد. وقتی کتاب یک کالایی باشد که در دست والدین است، قاعدتاً فرزندان نیز جذب کتاب می‌شوند. این نویسنده حوزه ادبیات کودک و نوجوان چشم و هم‌چشمی زندگی امروز را زیر سؤال برد و معتقد است به رغم اینکه برخی افراد مستأجر هستند اما داشتن مبلمان و لوازم لوکس در منزل یک پز به حساب می‌آید در حالی که کتابخانه داشتن پز به حساب نمی‌آید!

وی گفت: متأسفانه کتابخانه‌ها در کشور ما تا ر عتکوبت بسته و یکسری کتاب‌هایی که کودکان و نوجوانان به آن علاقه‌مند نیستند و نمی‌توانند با آن ارتباط بگیرند، قرار داده شده، چرا که

کامران شرفشاهی، نویسنده، شاعر و ناشر:

والدین برای خرید کتاب خساست به خرج ندهند

گفت‌وگو با «جوان» از خساست خانواده‌ها در خرید کتاب برای فرزندان گلایه دارد و می‌گوید: «نباید به بهانه گرانی، بچه‌ها را از خرید کتاب مورد علاقه‌شان محروم کرد» و اما ادامه گفت‌وگو.

چگونه می‌توان قشعر کودک و نوجوان را به سمت کتاب جذب کرد؟

کتاب‌های کودک و نوجوان و انجمن‌های کتاب نقش مؤثری در تربیت یک نسل پویا دارد، لذا نقش کتاب در محلات و مدارس باید جدی‌گرفته شود. برگزاری نشست‌های کتابخوانی و قصه‌خوانی نیز توجیه کودکان و نوجوانان را به سمت کتاب جذب می‌کند. این نکته را باید یادآور شد که از طریق تلفن همراه نمی‌توان به اطلاعات جامع و کاملی دست یافت. توهم دانایی که امروزه خیلی‌ها دارند، ناشی از اطلاعات دم دستی و نیم‌بند تلفن همراه و شبکه‌های مجازی است.



و متناسب با علاقه‌مندی کودک و نوجوان و درک آنان فونت مناسب انتخاب شود، صفحه‌آرایی مناسبی صورت گیرد، چرا که مجموعه این عوامل در جذب مخاطب کودک و نوجوان مؤثر خواهد بود.

میر کیانی ادامه می‌دهد: باید تا حد امکان نویسنده‌گان و ناشران همکاری کنند و کتاب‌ها در قطع مناسب چاپ شود، مجموع داستان‌ها را بیشتر توجه کنند تا کودکان و نوجوانان با پرداخت هزینه کم‌تر مطالب بیشتری بخوانند.

میر کیانی در ادامه به اهمیت کتاب و کتابخوانی برای خانواده‌ها اشاره کرده و با بیان اینکه کتابخوانی باید بخشی از زندگی خانواده‌ها باشد، خاطر نشان می‌کند: در خانواده‌ای که پدران و مادران اهل مطالعه نباشند یا مادران قصه‌گویی نکنند و کتاب بخشی از زندگی آنها نباشد، کودک و نوجوان هم علاقه به کتاب پیدا نمی‌کند.

این نویسنده کتاب کودک و نوجوان بیان می‌دارد: خانواده‌ها باید کشف کنند که فرزندان آنها به چه کتابی علاقه دارند و متناسب با درک، فهم و علاقه کودک و نوجوان خود کتاب‌های قابل قبول و مناسب را تهیه کنند و در اختیار آنها بگذارند.

میر کیانی ضمن انتقاد به روش‌های تربیتی والدین در علاقه‌مند کردن فرزندان به کتاب می‌گوید: پدران و مادران با یک ادبیات خاص به بچه‌ها توصیه‌هایی را بیان می‌کنند که این موجب دلزدگی آنها می‌شود.



جمع‌خوانی کتاب با شیوه‌های جذاب، معرفی بزرگان علم و ادب فارسی و تاریخ، به نمایش گذاشتن بخش‌هایی از کتب تاریخی و اجرا کردن نمایش آن توسط کودکان و نیز گردش علمی و رفتن به کتابخانه‌های عمومی به صورت تفریحی و خانوادگی از دیگر پیشنهاداتی است که میر کیانی برای علاقه‌مند کردن کودکان و نوجوانان به مطالعه مطرح می‌کند.

عنصر تشویق دیگر موضوع پیشنهادی بود که این نویسنده به آن اشاره دارد و می‌گوید: باید فضای مطالعه و کتابخوانی را شیرین کرد.

میر کیانی در پاسخ به سؤال «جوان» مبنی بر چگونگی انتقال مفاهیم ارزشی و مذهبی در کتاب کودک و نوجوان توضیح می‌دهد: پدران و مادران باید فصل‌های قابل درک و فهم را انتخاب کنند و بخوانند چرا که برخی کتاب‌های مذهبی و دفاع مقدسی احتیاج به توضیح دارد.



متأسفانه کتابخانه‌ها در کشور ما تا ر عتکوبت بسته و یکسری کتاب‌هایی که کودکان و نوجوانان به آن علاقه‌مند نیستند و نمی‌توانند با آن ارتباط بگیرند قرار داده شده است



دیگر والدین در زمینه خرید کتاب و محصولات فرهنگی خساست به خرج ندهند. اگر بچه‌ها تمایل و انگیزه برای خرید کتابی دارند، والدین به بهانه گرانی مانع نشوند و اجازه دهند آنان کتاب مورد علاقه خود را خریداری کنند و این گام اول برای کتابخوانی و زندگی در کنار مطالعه است. اینگونه ظرافت‌ها و حرکت‌ها بسیار آیندمساز است و زندگی آنان نیز نقش جدی دارد.

اگر نکته خاصی دارید، بفرمایید. در حال حاضر جمعیت کشور ما چندین برابر اضافه شده است، در حالی که به همان نسبت تعداد کتابخانه‌های عمومی اضافه نشده و نیازمند احداث کتابخانه‌های عمومی بیشتر و تجهیز آن هستیم. جامعه ما اگر به دنبال آتی است که جوانان به کتابخوانی گرایش پیدا کنند، باید به اصل نظرسنجی روی بیاورند و کتاب‌هایی را تهیه کنند و در اختیار آنها قرار دهند که مورد نیاز و با طبع آنان است. کار کتابداری و ایجاد ارتباط با مخاطبان یکی دیگر از مسائل مهمی است که در حال حاضر کمرنگ شده و کتابداران جایگاه چندانی ندارند، لذا نیازمند تربیت کتابداران خوب و باتجربه هستیم تا ارتباط مثبت با مخاطبان برقرار و کتاب خوب به آنان معرفی کنند.



چگونه والدین و خانواده‌ها می‌توانند قشعر کودک را با کتابخوانی مانوس کنند؟

در گذشته خانواده‌ها فرزندان خود را به جایی مثل کانون‌ها وصل می‌کردند و این مراکز نقش خوبی در کتابخوان کردن قشر کودک و نوجوان داشت. از سوی دیگر اگر والدین اهل کتاب خواندن باشند، رفتارشان خودبه‌خود تأثیرگذار است چرا که فرزندان به عنوان الگو، سبک زندگی والدین را تقلید می‌کنند. از طرف

اگر بخواهیم در یک نگاه کلی، به کتاب و کتابخوانی در چارچوب دو مقوله رونق و رکود بپردازیم، باید جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مرتبط با موضوع را نیز مدنظر قرار دهیم.

کتاب و کتابخوانی را باید در فرایند مبدأ و مقصد دید چرا که ابتدا باید کتاب تولید کرد و آنگاه با استفاده از یک سیستم توزیع به دست کتابخوان رساند و سپس عناصر هویت‌بخش کتابخوانی را تحقق بخشید. در واقع ما با عوامل تولید کتاب، عوامل توزیع کتاب و کتابخوان‌ها سروکار داریم و در صورت ورود به حوزه کتابخوانی، باید درباره این سه بخش سخن بگوییم.

عوامل تولید کتاب شامل تولیدکنندگان محتوا و عهده‌داران امور فنی چاپ کتاب هستند و عوامل انتشار یا توزیع کتاب نیز شامل مؤسسات توزیع و پخش و در نهایت کتابفروشی‌ها هستند، اما کتابخوان‌ها را چگونه می‌توان دسته‌بندی کرد؟

کتابخوان‌های تکلیفی و انگیزشی

کتابخوان‌ها را از یک منظر می‌توانیم به دو گروه اصلی تقسیم‌بندی کنیم: گروه نخست را کتابخوان‌های تکلیفی و تضمینی می‌گوییم، به عنوان مثال دانش‌آموزان و دانشجویان را می‌توان در این گروه قرار داد، زیرا آنها مکلفند کتاب‌های درسی را که بر آنها تکلیف شده است، بخوانند و گروه دوم، کتابخوان‌هایی که تکلیفی و تضمینی نیستند و بنا بر انگیزه شخصی به کتابخوانی روی می‌آورند. بی‌تردید روی سخن ما بیشتر با گروه دوم است و باید نرخ رشد کتابخوانی را در این گروه افزایش دهیم. سؤال این است: برای کتابخوان کردن گروه دوم چه باید کرد؟ پاسخ: ایجاد انگیزش و هیجان است، اما چگونه؟ پاسخ این است که از چهار طریق می‌توان کتابخوانی را رونق بخشید و از رکود آن کاست: گفتمان‌سازی، جریان‌سازی، هدفمندسازی و نظام‌مندسازی. ابتدا لازم است متولیان امور، گفتمان درست و کارآمدی را پیرامون کتاب و

باید‌ها و نباید‌های کتاب و کتابخوانی

از نگاه دکتر «میلاذ محقق» کارشناس و پژوهشگر حوزه فرهنگ

کتابخوان تکلیفی زیاد داریم کتابخوان انگیزشی کم است

که تزیق انجام شود تا بهبود یابد.

در اینجا شما چه راهی را انتخاب می‌کنید؟ آیا به میل او رفتار می‌کنید یا به خیر او؟ تردیدی وجود ندارد که شما با روش‌های مؤثر تلاش می‌کنید عمل تزیق دارو در بدن فرزندان انجام شود تا حال او بهبود یابد. جامعه نیز همین شرایط را دارد و ممکن است افراد جامعه میل به کتابخوانی نداشته باشند یا میل به خواندن محتواهای خاصی نداشته باشند، اما فرزندان جامعه تشخیص می‌دهند و به خوبی می‌دانند که افراد اجتماع برای به کمال رسیدن باید کتاب بخوانند تا آگاهی آنان افزایش یابد و با به کار بردن آگاهی و دانایی‌های به دست آمده ناشی از کتابخوانی، به رشد و کمال برسند.

حال این پرسش را از متولیان امور کتاب و کتابخوانی کشورمان می‌کنیم: سازوکارهای مربوط به دو مقوله مخاطب‌محوری و مهندسی مخاطب چیست و برای گفتمان‌سازی، جریان‌سازی، هدف‌مندسازی و نظام‌مندسازی پیرامون کتاب و کتابخوانی باید چند درصد از مکانیسم نخست و چند درصد از سازوکار دوم استفاده کرد؟

برخورداری یا بهره‌مندی؟

تصور کنید به میهمانی رفته‌اید و میزبان، سبب برگی از اسواغ میوه‌ها را مقابل شما و روی میز پذیرایی قرار داده است. در این حالت، شما از میوه‌های آن سبب بر خوردار هستید، اما تا زمانی که از آن میوه‌ها مصرف نکرده‌اید، می‌توان گفت که بهره‌مند نشده‌اید. در موضوع کتاب و کتابخوانی نیز چنین وضعیتی وجود دارد. به نسبت میزان تیراژ یا شمار گانی که از کتاب‌های متفاوت و متنوع در جامعه وجود دارد، چه تعداد از افراد جامعه از آن کتاب‌ها بهره‌مند هستند؟ یعنی آیا افراد جامعه، به میزان بر خورداری از کتاب‌های موجود، بهره‌مند نیز هستند؟

در سال‌هایی که گذشت، یکی از دلایل پایین بودن نرخ کتابخوانی را گران بودن کتاب گفته‌اند! یا اینچنین است؟ من باورم این است که بین بهداشت



روحي و رواني افراد جامعه و تعداد کتابخوان‌ها در اجتماع، یک رابطه مستقیم وجود دارد و اگر سطح بهداشت روحي و رواني افراد جامعه در وضعیت مطلوبی باشد، جمعیت کتابخوان نیز رو به افزایش خواهد رفت و در مقابل اگر سطح بهداشت روحي و رواني افراد جامعه نامطلوب باشد، از جمعیت کتابخوان نیز کاسته خواهد شد. معتمد باید سطح بهداشت روحي و رواني افراد جامعه بهبود یابد تا در آنها انگیزش و هیجان کافی برای کتابخوانی، ایجاد و برقرار شود، هر چند نمی‌توان از ضعف در قدرت خرید مردم و تأثیر آن بر سرانه کتابخوانی نیز گفت و از آن غافل بود. اگر شغل و درآمد پایدار در حد و اندازه‌های استاندارد در جامعه وجود داشته باشد و سازوکارهای مربوط به گفتمان‌سازی و جریان‌سازی نیز به همراه هدفمندسازی و نظام‌مندسازی به مرحله اجرا برسد، آنگاه خواهیم دید که سرانه مطالعه و نرخ کتابخوانی به مرزهای مطلوبی خواهد رسید.

نکته مهم دیگر، مقوله استاندارد دسزای است که باید به آن پرداخته شود. پدیدآورندگان کتاب اعم از تولیدکنندگان محتوا و دست‌اندرکاران امور فنی چاپ و انتشار باید بدانند که حدود استاندارد تولید و توزیع کتاب چیست و با چه مخاطبانی روبه‌رو هستند. آیا می‌دانند؟ آیا مطالعات بازار هدف به طور علمی و تخصصی درباره کتاب و کتابخوانی در حد و حدود استانداردهای جهانی در ایران صورت می‌گیرد؟

برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران در باره کتاب و کتابخوانی باید از سه حوزه روانشناسی، روانشناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی برخوردار و بهره‌مند باشند. آیا بر خوردار و بهره‌مند هستند؟ در پایانه پیشنهاد می‌کنم در امور کتاب و کتابخوانی بخش حاکمیت به سه موضوع حمایت، هدایت و نظارت بپردازد و به طور جدی از دخالت در امور اجرایی و تصدی‌گری پرهیز کند، زیرا بهترین راه برای بالا بردن نرخ کتابخوانی این است که بخش حاکمیتی با فراهم‌سازی زیرساخت‌های لازم، از بخش خصوصی حمایت کند و برای رسیدن به اهداف منطقی با منافع ملی، سازوکارهای مربوط به هدایت و نظارت را نیز تعیین، تبیین و اجرا کند.

